

چهارشنبه 22 دی 1395 - 12 ربیع الثانی 1437 - 11 ژانویه 2017

پافشاری و مبارزات مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت، برای به دست آوردن...

**صده، فرمان، تأسیس، "عدالتخانه" توسط "مظفالدین شاه قاجار" (1284 ش.)**

پافشاری و مبارزات مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت، برای به دست آوردن حق تصمیم‌گیری در امور خویش و برقراری حکومت مشروطه، سرانجام استبدادگران را منزوی و شاه قاجار را به پذیرش درخواست ایشان ناچار ساخت. بست نشینان در حرم حضرت عبدالعظیم، با واسطه قرار دادن سفیر عثمانی، خواسته‌های خویش از جمله تأسیس عدالتخانه در سراسر کشور را به دولت اطلاع دادند. مظفالدین شاه نیز که شور و هیجان مردم را در این امر دیده بود، بدون هیچ درنگی حکم تأسیس عدالتخانه را صادر نمود. بدین ترتیب نخستین کوشش‌های مردم آزادمنش ایران و رهبران‌شان به خصوص آیت‌الله سید محمد طباطبایی که اولین بار، تأسیس عدالتخانه توسط وی مطرح شد به ثمر نشست و راه برای تحقق خواسته‌های مهم‌تر که همان پذیرش مشروطیت بود، هموار گشت. به دنبال صدور این فرمان، آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی به همراه سایر علما پس از یک ماه تحصن باشکوه و احترام فراوان و با استقبال مردم، وارد شهر شدند.

صدور فرمان تأسیس "عدالتخانه" توسط "مظفالدین شاه قاجار" (1284 ش.) پافشاری و مبارزات مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت، برای به دست آوردن حق تصمیم‌گیری در امور خویش و برقراری حکومت مشروطه، سرانجام استبدادگران را منزوی و شاه قاجار را به پذیرش درخواست ایشان ناچار ساخت. بست نشینان در حرم حضرت عبدالعظیم، با واسطه قرار دادن سفیر عثمانی، خواسته‌های خویش از جمله تأسیس عدالتخانه در سراسر کشور را به دولت اطلاع دادند. مظفالدین شاه نیز که شور و هیجان مردم را در این امر دیده بود، بدون هیچ درنگی حکم تأسیس عدالتخانه را صادر نمود. بدین ترتیب نخستین کوشش‌های مردم آزادمنش ایران و رهبران‌شان به خصوص آیت‌الله سید محمد طباطبایی که اولین بار، تأسیس عدالتخانه توسط وی مطرح شد به ثمر نشست و راه برای تحقق خواسته‌های مهم‌تر که همان پذیرش مشروطیت بود، هموار گشت. به دنبال صدور این فرمان، آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی به همراه سایر علما پس از یک ماه تحصن باشکوه و احترام فراوان و با استقبال مردم، وارد شهر شدند.

تشکیل شورای انقلاب به فرمان "امام خمینی" (ره) (1357 ش.) با اوج‌گیری نهضت اسلامی در سال 1357، اندیشه طرح تشکلی به نام شورای انقلاب در میان روحانیون معتمد حضرت امام(ره) پدید آمد که در سفر شهید مطهری به پاریس، این طرح با امام در میان گذاشته شد. با موافقت معظم له، این شورا تشکیل گردید و اعضای آن انتخاب شدند. پس از آن امام خمینی(ره) طی اطلاعیه‌ای، اعضای شورای انقلاب اسلامی را تعیین و وظایف آن را برای مردم تشریح نمودند. معظم له در بخشی از اطلاعیه خویش فرمودند: به موجب حق شرعی و بر اساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به این‌جانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی، مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق، موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد. اعضای این شورا عبارت بودند از: حضرات آیات سید علی خامنه‌ای، سید محمود طالقانی، سید محمد بهشتی، مرتضی مطهری، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید عبدالکریم موسی اردبیلی، محمدرضا مهدوی کنی و آقایان یدالله سحابی، مهدی بازرگان و عباس شیبانی و... در آستانه پیروزی انقلاب، اعضای این شورا، مهندس بازرگان را به عنوان نخست وزیر دولت موقت پیشنهاد کردند که حضرت امام با این پیشنهاد موافقت نمودند. پس از پیروزی انقلاب، این شورا با مشروعیت حاصله از حمایت‌های مردمی، زمام امور را به دست گرفت. از جمله اقدامات شورای انقلاب، می‌توان به تصویب اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ملی شدن بانک‌ها، سامان بخشیدن به دادگاه‌های انقلاب، برگزاری همه‌پرسی در رابطه با نظام جمهوری اسلامی، بررسی پیش‌نویس قانون اساسی، تصویب آیین نامه‌های مجلس خبرگان و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و... اشاره کرد. مسؤولیت شورای انقلاب تا زمان تشکیل مجلس شورای اسلامی به طول انجامید و از تاریخ 7 خرداد 1359 وظایف این شورا به مجلس و شورای نگهبان واگذار گردید.

شروع خلافت "سفاح عباسی" به روایتی (132 ق) عباسیان با همکاری ابومسلم خراسانی و سپاه او، مروان دوم، آخرین حاکم اموی را به قتل رسانده و حکومت امویان را سرنگون کردند. اما بنی‌عباس نیز مانند امویان، سال‌ها با ستمگری بر جان و مال مردم کشورهای اسلامی سلطه یافتند و تا سال 656 ق به مدت بیش از پانصد سال حکومت کردند. در این روز ابوالعباس عبدالله بن محمد معروف به سفاح به معنی خون‌ریز، اولین خلیفه‌ی عباسی بر مسند خلافت نشست.

تولد "ویلیام جیمز" فیلسوف و نظریه پرداز معروف آمریکایی (1842م) ویلیام جیمز، فیلسوف و روانشناس شهیر آمریکایی در یازدهم ژانویه 1842م در نیویورک به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در فرانسه گذراند و از ابتدای زندگی با زبان‌های متعددی آشنا شد. ویلیام در همین زمان به نقاشی روی آورد و با علاقه زیاد در گالری‌های هنری اروپا به مطالعه پرداخت؛ ولی معلمش او را از این کار باز داشت و وی را به کاری دیگر فراخواند. جیمز پس از آن به تحصیل علوم طبیعی و سپس طب مشغول شد و علی‌رغم اخذ دکترای پزشکی، از طبابت صرف نظر نمود و به روان‌شناسی روی آورد. اما دیری نگذشت که از روان‌شناسی نیز چشم پوشید

و به فلسفه پرداخت. ویلیام جیمز در نهایت دریافت که رستگاری و نجات او در وجود خودش نهفته است از این رو اعلام کرد که به رغم رنج و دردم، زندگی خود را بر پایه کارها، رنج‌ها و ابتکارات خویش بنیان خواهم گذاشت. وی در سال‌های بعد، وقتش را صرف فراگیری و سپس بسط فلسفه اصالت عمل یا پراگماتیسم نمود. از نقطه نظر جیمز، نجات و رستگاری انسان متکی به اراده خود اوست. جهان سراسر خوب نیست ولی اگر ما اراده کنیم می‌توانیم آن را بهتر سازیم. در همین سال‌ها، جیمز به نگارش کتاب اصول روان‌شناسی پرداخت که نشان دهنده عطف توجه جیمز از علم به فلسفه است. روان‌شناسی او، پیش از آنکه مطالعه نموده‌ای ذهن باشد، مطالعه انسان‌های زنده است. جیمز اعلام داشت که مطالعه شور و وجدان آدمی باید تابع مطالعه سلوک و اخلاق آدمی بوده و روان‌شناسی باید در حکم مقدمه‌ای برای علم اخلاق باشد. به عبارت دیگر، ذهن یک ابزار مادی نیست، یک وسیله روحی است. ذهن تنها ثبات اندیشه‌ها نیست، بلکه مولد و آفریننده آنهاست. ذهن معلم و راهنمای ما به سوی دنیای آزادتر، آرام‌تر و بهتر است. این اندیشه، جیمز را دوباره به فلسفه کوشش برای بهتر ساختن جهان می‌کشاند. وی با تصدیق اینکه جهان پر از شر و بدی است، می‌گفت: این همان چیز است که زندگی ما را با ارزش و قابل تحمل می‌سازد. زیرا وجود شر به ما گران‌بهارترین چیز را ارزانی داشته است و آن امید است. امید آن فعالیت اخلاقی است که ما را به مبارزه و در صورت امکان به غلبه بر شر و بدی برمی‌انگیزد. جیمز می‌گفت: ما آن قدرت را داریم که جهان را بهتر سازیم زیرا دارای اراده آزاد هستیم. جیمز معتقد است که این دنیا یک عنصر تام و تمام پرداخته نیست بلکه ترکیبی از عناصر مجزا و متضاد است. سوی دیگر، جهان نظم واحدی نیست بلکه نظامی متکثر است. مجموعه‌ای از جریان‌ات مخالف است که بعضی از آنها خوب و بعضی بد هستند. کار ما آن است که بر بدی‌ها غلبه کنیم و خوبی‌ها را تثبیت نماییم. در این میان، کمترین موفقیت نیز چنان شرافتی به تلاش‌های ما می‌دهد که هر گونه کوششی را ارزشمند می‌کند. در این فلسفه، جیمز عنوان می‌کند: جنگیدن به خاطر خوبی، حتی اگر به نتیجه‌ای منتج نشود شادی‌بخش است. این را نیز باید به خاطر داشت که در این جنگ خدا یار ماست. جیمز دنیا را ترکیب و مجموعه‌ای از واقعیات می‌داند و حقیقت را انکار می‌کند. وی بر این عقیده بود که آنچه را ما حقیقت می‌نامیم تنها یک فرض است، فرض کارآمدی که ما را قادر می‌سازد تا اندکی از آشوب را به اندکی از نظم تبدیل کنیم. آنچه دیروز حقیقی بود امروز ممکن است حقیقت نداشته باشد و حقایق کهن چون ابزار کهنه ممکن است زنگ بزند و دیگر به کار نیاید. حقیقت نمی‌تواند در همه وقت و برای همه افراد وجود داشته باشد. به عقیده جیمز، معنا و مفهوم زندگی، در مجادلات و منازعات ویرانگر میان انسان‌ها نیست بلکه در کوشش مشترک همه بشریت برای غلبه بر نیروهای شر و اهریمنی است. به عبارت دیگر، فلسفه عملی، دستگاه فلسفی خاصی نیست، بلکه در حقیقت روشی است برای به دست آوردن نتایج عملی. فلسفه اصالت عمل جیمز، مجموعه‌ای از نظریات و دیدهاست و خصوصیت عمده آن، بی‌طرفی در میان عقاید و آرا است. از کتاب‌های معتبر جیمز، اراده باور کردن، انواع تجارب دینی، فلسفه اصالت عمل و معنای حقیقت را می‌توان نام برد. ویلیام جیمز سرانجام در 26 اوت 1910م در 68 سالگی درگذشت.

درگذشت "میرزا مهدی الهی قمشه‌ای" حکیم قرآنی (1393 ق) میرزا مهدی الهی قمشه‌ای در سال 1319 ق در قمشه (شهرضا) به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در زادگاه خود، راهی اصفهان گردید. وی از شاگردان آیت‌الله شهید سید حسن مدرس بود و استفاده‌ای وافر از ایشان نمود. همچنین آقابزرگ حکیم، حاج آقا حسین قمی، شیخ اسدالله یزدی، حاج میرزا حسین فقیه سبزواری و... از دیگر اساتید وی بودند. ایشان در تهران در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس پرداخت و همزمان در درس استاد ابوالحسن جلوه شرکت می‌کرد. ترجمه‌ی تفسیر گونه‌ی ایشان از قرآن از جمله مشهورترین آثار حکیم الهی می‌باشد. سرانجام در حالی که به اصلاح خلاصه‌ی التفاسیر خود مشغول بود، در دوازدهم ربیع الثانی 1393 ق دعوت حق را لبیک گفت و در جوار بارگاه حضرت معصومه آرامید.

مرگ "نیکلای پادگورنی" رئیس جمهور سابق شوروی (1983م) نیکلای ویکتوریویچ پادگورنی سیاستمدار با سابقه شوروی سابق و رئیس جمهور این کشور، در سال 1903م به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات خود، در 27 سالگی به حزب کمونیست پیوست. پادگورنی در سال 1953م به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست درآمد و دو سال بعد عضو هیأت رییس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی گردید. پادگورنی عاقبت در سال 1965م پس از استعفای میکویان، به مقام صدر هیأت رییس اتحاد جماهیر شوروی دست یافت و به مدت 12 سال ریاست جمهوری شوروی را برعهده گرفت. پادگورنی این مقام را در 1977م بر اثر یک رقابت قدرت طلبانه سیاسی با لئونید برژنف دبیر کل وقت حزب کمونیست شوروی از دست داد و از دفتر سیاسی حزب اخراج شد. او سه هفته بعد نیز بدون هیچ توضیحی از ریاست هیأت رییس کنار گذاشته شد. نیکلای پادگورنی سرانجام در 12 ژانویه 1983م در هشتاد سالگی در مسکو درگذشت.